یادداشت

مهدی حسن‌زاده

پشت پرده حملات سخیف به مرحوم شریعتی

دکتر علی شریعتی اندیشمندی است که همواره چه در زمان حیات و چه پس از آن و تاکنون که نزدیک به نیم قرن از درگذشت وی می‌گذرد، بیش از هر فردی محل جدال موافقت‌ها و مخالفت‌ها بوده است. چه افرادی که از زاویه دید سنت، تعریض شریعتی به رویکردهای سنتی حوزه را برنمی‌تابند و چه افرادی که از زاویه دید روشنفکری غرب‌گرا، پروژه شریعتی برای بازگشت به هویت خویشتن را رد می‌کنند. چند روز پیش شاهد مناظره‌ای با حضور موسی غنی‌نژاد و میلاد دخانچی بودیم که طی آن غنی‌نژاد با ادبیاتی عجیب، مرحوم شریعتی را شیاد نامید. واضح است که چنین ادبیاتی در مورد فردی که بسیار مورد احترام بخش بزرگی از جامعه است، چقدر سخیف است اما ریشه‌شناسی چنین رویکردی مهم‌تر از الفاظ به کار رفته است.

دکتر موسی غنی‌نژاد و همفکران او را می‌توان جزو جریانی دانست که به‌ویژه در حوزه اقتصاد معتقد به دولت‌زدایی و ایجاد مرزبندی در برابر مارکسیسم هستند. این مرزبندی به گونه‌ای ترسیم شده است که هر ندای مخالف اقتصاد بازار آزاد ولو نگاه‌هایی که کاملاً با دولت‌گرایی و مارکسیسم زاویه دارند، متهم به مارکسیسم شوند. این در شرایطی است که انگاره‌های مختلف نظری و تجربه‌های عملی همزمان با مرزبندی علیه مارکسیسم با اقتصاد بازار آزاد نیز مرزبندی داشته‌اند و توانسته‌اند الگوهای مشخصی از حفظ سازوکار بازار و فعالیت بخش خصوصی را در کنار مداخله فعالانه دولت در اقتصاد ترسیم کنند. بر این اساس طرفداران رویکرد توسعه صنعتی با الهام از روند توسعه در شرق آسیا و تجربه‌های آن‌ها، مدل‌های مشخصی در حوزه توسعه اقتصادی پیشنهاد می‌دهند که فعالیت بخش خصوصی و سازوکار بازار را در پازل اقتصادی با برنامه‌ریزی و دخالت دولت در شکل دادن به روند توسعه می‌بینند و به نوعی مرزبندی همزمان هم با اقتصاد دولتی و مارکسیستی و هم با اقتصاد لیبرال و بازار آزاد دارد.

شاید بتوان ریشه حمله به شریعتی از سوی هواداران رویکرد اقتصاد بازار آزاد را در تعریف فرهنگی و هویتی از خود و دیگری دانست. رویکردهای اقتصاد بازار آزاد در سال‌های گذشته به تناسب پررنگ شدن مفاهیم جهانی شدن در حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ و به تبع تک‌قطبی شدن جهان پس از فروپاشی شوروی، انگاره هضم در بلوک مسلط سیاسی جهان را ترویج می‌کردند. ادامه این نگاه با تردید در مفهوم مقاومت، توصیه به عادی‌سازی روابط با جهان (غرب به مثابه کدخدای جهان) را داشت اما تغییرات در جهان و ظهور چین به عنوان رقیب جدی اردوگاه غرب و از سوی دیگر ظهور ترامپ به عنوان عنصری که در پیشانی تمدن غربی، رویکردهایی به صراحت ضدآزادی اقتصادی و روان‌سازی تجارت آزاد جهانی را در پیش گرفته است، موجب شد به لحاظ نظری انگاره هضم در نظم جهانی با تردید جدی مواجه شود. به‌ویژه اینکه مردم دیدند در عرصه سیاسی و دیپلماسی، جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیار وافری انجام داد که به نوعی توافق و تعامل سازنده با غرب رسد، اما از توافق سعدآباد در ۸۲ تا برجام در ۹۶ و مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه و تفاهم اخیر همگی مصادیق اعتمادسازی و تعامل از سوی ایران و در مقابل عهدشکنی و زورگویی از طرف مقابل بوده است. مسئله جایی به حداکثر شفافیت رسید که ترور بالاترین مقام سیاسی و مذهبی کشور، فرماندهان نظامی، دانشمندان و سیاستمداران و کشتار بی‌رحمانه دانش‌آموزان میناب و مردم عادی در شهرهای مختلف رخ داد تا مشخص شود انگاره هضم در نظم غربی چقدر خونبار است و این انگاره در جامعه ایرانی تقویت شد که هر تعامل و دیپلماسی باید متکی به قدرت سخت نظامی و اقتدار سیاسی باشد. فارغ از اینکه اندیشه شریعتی را از زاویه‌های مختلف می‌توان نقد کرد اما حمله به شخصیت شریعتی حمله به یکی از مهم‌ترین نمادهای بازگشت به خویشتن و هویت‌یابی ایرانی در برابر انگاره هضم در نظم غربی است. بلندگوهایی که شریعتی را با سخیف‌ترین تعابیر نواخته‌اند، پیش‌تر با خوشبینانه‌ترین تعابیر، جمهوری اسلامی ایران را به کوتاه آمدن و کرنش در برابر فشار غرب دعوت کرده‌اند. اینجاست که تلاش می‌شود برای تکمیل پازل کوتاه آمدن و تسلیم در برابر غرب، نمادهای هویت ایرانی و چهره‌های مروج استعمارستیزی ترور شخصیتی شوند اگرچه واضح است که مردم این خط را می‌شناسند و تسلیم دیدگاه‌های تسلیم‌گرا نخواهند شد.

تحلیل سفر نتانیاهو به واشنگتن و تأثیراتی که این رویداد می‌تواند بر موضوع ایران داشته باشد

پوست خربزه «معمار آشوب» زیر پای ترامپ

هدایت جاوید | بنیامین نتانیاهو در شرایطی برای هشتمین بار طی دو سال اخیر راهی واشنگتن شده و با دونالد ترامپ دیدار داشته که برخی پیامد چنین رویداد دیپلماتیکی را افزایش دوباره خصومت‌ها علیه ایران ارزیابی می‌کنند. گفته می‌شود پرونده غزه، لبنان، سوریه و حتی ترکیه محور رایزنی بوده ولی سرفصل دیدار طبق گفته نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در یک چیز خلاصه می‌شود؛ ایران. او پیش از پرواز به آمریکا گفته بود: «ما در مورد تمام موضوعات موجود در دستور کار و در درجه نخست درباره ایران، بحث خواهیم کرد».

■دام صهیونیست‌ها برای ترامپ

با این اوصاف نخستین دیدار ترامپ و نتانیاهو از زمان حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران در اوایل اسفند پارسال که منجر به درگیری جدید منطقه‌ای در غرب آسیا شد، مهم است.

در وهله نخست، تلاش نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، این معمار آشوب، برای برجسته کردن دوباره خطر هسته‌ای ایران است که نباید نادیده گرفته شود. رئیس جمهور ایالات متحده بارها مدعی شده در حملات بی-۲های زیبای آمریکا! تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی با خاک یکسان شده، ولی او به‌تازگی حرف جدیدی می‌زند. ترامپ چندی پیش گفت: «معمولاً این را نمی‌گویم... ما خیلی زود قرار است کوه کلنگ در ایران را بمباران کنیم». بالا بردن حساسیت‌ها درباره کوه کلنگ در استان اصفهان و در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای نطنز و معرفی آن به عنوان پناهگاه جدید سانتریفیوژهای جمهوری اسلامی، تا جایی که این مفهوم بر زبان مقامات کاخ سفید جاری شده، نمود تازه‌ای از پروژه ایران‌هراسی بوده که از سوی تل‌آویو کلید خورده است. پیرو همین مسئله بود که روزنامه «نیویورک‌پست» گزارش داد، نتانیاهو در واشنگتن اطلاعات و ارزیابی‌های امنیتی تازه مربوط به این سایت ایرانی را با ترامپ به اشتراک خواهد گذاشت؛ بازی تنش‌زایی خطرناک صهیونیست‌ها که باید نسبت به آن حساس بود.

تأثیرگذاری بر رئیس جمهور آمریکا و القای اینکه توافق با ایران شدنی نیست دیگر هدف حضور مقام صهیونیست در کاخ سفید است. فشارهای داخلی بر ترامپ، نارضایتی متحدان عرب از جنگ فرسایشی و کمبود تسلیحات، در کنار ورود عمان به رایزنی درباره تنگه هرمز سبب تعویق حملات آمریکا ضد ایران و در واقع نرم‌تر شدن موضع مقامات واشنگتن شده است. آن گونه که ای‌بی‌سی نیوز افشا می‌کند تصمیم به عدم تشدید تنش پس از جلسه روز جمعه کاخ سفید گرفته شد جایی که ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش و جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور نگرانی خود را به سبب کاهش ذخایر تسلیحاتی در صورت تشدید جنگ ابراز کردند. اما با وجود گرفتاری در میدان جنگ با ایران، عدم پیشرفت در اجرای تفاهم‌نامه احتمالاً ترامپ را در حوزه دیپلماسی با ایران سرخورده و بدبین کرده و این جایی است که فرصتی برای بازیگری مخرب صهیونیست‌ها فراهم می‌شود. چنین رویکرد و القای اهدافی دو روز پیش توسط ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی آغاز و او این گونه برای رئیس جمهور ایالات متحده تعیین تکلیف کرد: «باید کارهایی انجام شود. ترامپ یک تاجر است اما در مورد ایران بسیار ساده‌لوح است. من واقعاً امیدوارم او متقاعد شود. هیچ دیپلماسی با این افراد وجود ندارد و هیچ فایده‌ای برای صحبت با آن‌ها وجود ندارد. تنها راه ارتباط با ایرانی‌ها از طریق لوله تفنگ است».

> نزدیک شدن به پایان مهلت دوماهه برای رسیدن به توافق طبق تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و همچنین انتخابات ، اتفاق‌هایی است که انگیزه ترامپ برای آغاز یک ماجراجویی دیگر را تقویت می‌کند

■اشتراک نقشه‌های جنگی میان دو شرور

استقبال ترامپ از نخست‌وزیر صهیونیستی همزمان با رئیس جمهور اوکراین هم معنادار است. این اتفاق به‌ویژه پس از اقدام کی‌یف در هدف گرفتن کشتی ایرانی در دریای کاسپین که برخی آن را حرکت ایذایی دلقک اوکراین برای باز کردن پای اتحادیه اروپا به رویارویی با جمهوری اسلامی می‌دانند، مهم است. در شرایطی که رسانه‌های صهیونیستی اشتراک نظر نتانیاهو و زلنسکی در موضوع ایران را برجسته می‌کنند، میزبانی مشترک از این دو می‌تواند گامی در مسیر اهداف واشنگتن برای ایجاد هم‌گرایی جهانی علیه تهران و حتی فرامنطقه‌ای کردن جنگ تعبیر شود.

در نهایت آنچه از نظر تحلیلگران بیش از همه درباره سفر نتانیاهو مورد توجه قرار گرفته، تلاش وی برای متقاعد کردن و کشاندن رئیس جمهور ایالات متحده به تقابل و جنگ گسترده با ایران است. نتانیاهو پیش‌تر موج رسانه‌ای ضدمذاکره را آغاز کرده است. او در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز، رسانه نزدیک به ترامپ چنین گفت: «فکر می‌کنم جنگ زمانی پایان خواهد یافت که رژیم سقوط کند، یا اینکه ایران بهای تمام اقدام‌هایی را که در منطقه انجام می‌دهد، بپردازد. آن‌ها به همه حمله می‌کنند؛ فقط تصور کنید اگر سلاح هسته‌ای در اختیار داشتند، چه می‌کردند». در میانه این کارزار، نزدیک شدن به ۲۵ مرداد؛ پایان مهلت دوماهه برای رسیدن به توافق طبق تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و همچنین انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا، اتفاق‌هایی است که انگیزه ترامپ برای آغاز یک ماجراجویی دیگر را تقویت می‌کند. نزدیک شدن به زمان انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی (۵ آبان) هم نتانیاهو را درباره آغاز یک ماجراجویی خارجی برای فرار از فشارهای داخلی وسوسه می‌کند.

بر این اساس آن گونه که نشریه پولیتیکو در تحلیلی به نقل از استیو بنن، استراتژیست ارشد پیشین کاخ سفید، درباره خطرات دوباره کشاندن پای آمریکا به جنگ می‌نویسد: «نتانیاهو در ۱۸ ماه دو برابر چرچیل در تمام طول جنگ جهانی دوم به کاخ سفید سفر کرده و این فاجعه‌ای برای ایده اول آمریکای ترامپ است». در ادامه همین گزارش کرت میلز، مدیر اجرایی مجله امریکن کانسروتیو، درباره روندهای جاری نتیجه می‌گیرد: «نتانیاهو قرار است در واشنگتن از منطق اساسی تشدید تنش دفاع کند و اگر ترامپ حاضر نباشد به یادداشت تفاهم فرصتی بدهد و یا بدون هیچ راه حلی از درگیری کناره‌گیری کند باید نسبت به این اتفاق‌ها نگران بود».

روزشمار جنگ | ۶ مرداد ۱۴۰۵

بار دیگر آثار میدان وارد متن مذاکره شده است؛ آمریکا حملات را متوقف کرده ،عمان برای مدیریت تنگه هرمز طرح آورده، کشورهای خلیج فارس وارد گفت‌وگو شده‌اند و ما از موضع خود عقب ننشسته ایم

طرحی برای تبدیل قدرت به قاعده در هرمز

سرویس سیاسی | طرح عمان برای مدیریت مشترک تنگه، دریافت هزینه داوطلبانه و ایجاد سه مسیر عبور نشان داد پس از هفته‌ها حمله، امنیت هرمز بدون توافق با ایران و کشورهای ساحلی ممکن نیست. پس از یک دور دیگر تلاش نظامی ناکام آمریکا برای تسلط بر تنگه، بار دیگر هرمز از میدان حمله و اسکورت به میز طراحی یک سازوکار منطقه‌ای منتقل شده است. عمان پیشنهادی را ارائه کرده که براساس آن، ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس در مدیریت تنگه مشارکت کنند، کشتی‌ها هزینه‌ای داوطلبانه برای خدمات دریایی بپردازند و سه مسیر در آب‌های ایران، عمان و بخش بین‌المللی تعریف شود. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز درباره این طرح گفت‌وگو کردند. این پیشنهاد هنوز به توافق نرسیده، اما این واقعیت را آشکار کرده است که آمریکا نتوانسته با بمباران ایران، محاصره دریایی و ایجاد مسیرهای یک‌طرفه، هرمز را به وضعیت عادی برگرداند. اکنون همان کشورهایی که در ابتدا از کنار گذاشتن ایران از مدیریت تنگه سخن می‌گفتند، به طرحی رسیده‌اند که بدون مشارکت ایران قابل اجرا نیست.

■پیشنهاد مسقط برای رهایی از مخمصه

طرح عمان می‌کوشد میان دو موضع فاصله‌دار پل بزند. ایران بر حقوق حاکمیتی خود، هماهنگی کشتی‌ها با ایران و دریافت هزینه خدمات تأکید دارد. طرف مقابل نیز با کنترل انحصاری ایران بر تنگه مخالفت می‌کند. پیشنهاد مسقط، مدیریت منطقه‌ای را جایگزین این تقابل کرده و پرداخت هزینه را از «عوارض اجباری» به «کمک داوطلبانه برای امنیت، محیط زیست و امداد دریایی» تغییر داده است. برای ایران، این طرح هم فرصت است و هم محل احتیاط. فرصت از این جهت که نقش ایران در مدیریت هرمز را به رسمیت می‌شناسد و مسیرسازی مستقل آمریکا را کنار می‌گذارد، اما ایران باید مراقب باشد که عنوان «مدیریت مشترک» به ابزاری برای محدود کردن حقوق حاکمیتی آن تبدیل نشود. موفقیت ایران زمانی کامل می‌شود که قدرت میدانی به یک قاعده پایدار و قابل اجرا تبدیل شود.

■پول‌های ایران وارد معادله عبور شد

ایران هشدار داده است که شرکت‌ها و کشورهایی که از پول‌های بلوکه‌شده ایران برای جبران خسارت کشتی‌ها استفاده کنند، اجازه عبور از هرمز را نخواهند داشت. این پاسخ مستقیم به تهدید ترامپ بود که گفته بود خسارت‌های دریایی را از دارایی‌های مسدود شده تهران پرداخت خواهد کرد. واشنگتن در اینجا با تناقضی روشن روبه‌رو است. از یک سو دارایی‌های ایران را بدون رضایت ایران مصرف می‌کند و از سوی دیگر انتظار دارد ایران امنیت عبور دریافت‌کنندگان همان پول را تضمین کند. ایران می‌خواهد نشان دهد فشار مالی بدون هزینه متقابل باقی نمی‌ماند. اتصال دارایی‌های بلوکه‌شده به حق عبور، انتقال پاسخ ایران از حوزه صرفاً حقوقی به یک اهرم عملی است. همزمان، نتانیاهو برای گفت‌وگو با ترامپ وارد واشنگتن شد؛ در حالی که گزارش‌ها از تلاش او برای جلوگیری از توافق و بازگرداندن بحث تغییر نظام در ایران حکایت دارد. این تحولات نشان می‌دهد آمریکا نمی‌تواند خود را طرفی مستقل و بی‌طرف معرفی کند؛ زیرساخت نظامی و تصمیم سیاسی جنگ با اسرائیل پیوند خورده است.

■یمن از مرحله هشدار عبور کرد

در جبهه دیگر، آرامکو پالایشگاه ۴۰۰ هزار بشکه‌ای جیزان را پس از حمله یمن تعطیل کرد. این اتفاق نشان داد حملات انصارالله دیگر فقط پیام سیاسی نیست و می‌تواند بر ظرفیت واقعی انرژی عربستان اثر بگذارد. دود ثبت‌شده بر فراز جیزان و بقیق، معنای عملی شعار «محاصره در برابر محاصره» بود.

■ایستگاه صد و پنجاه و یکم؛ تبدیل قدرت به قاعده

بار دیگر آثار میدان وارد متن مذاکره شده است. آمریکا حملات را متوقف کرده، عمان طرح آورده، کشورهای خلیج فارس وارد گفت‌وگو شده‌اند و ایران از موضع خود عقب ننشسته است. چالش بعدی، ادامه صرف فشار نیست؛ تبدیل این موقعیت به توافقی است که هم امنیت کشتیرانی را برگرداند و هم حق ایران در هرمز را حفظ کند. اگر این اتفاق رخ دهد، نتیجه جنگ نه فقط توقف حملات، بلکه پایان تلاش آمریکا برای اداره تنگه بدون ایران و اعلام شکست نهایی خواهد بود.

فراخبر

فرایند و برایند تصمیم‌های نظام

محمدولایی | تصمیم‌گیری در موضوعات سرنوشت‌ساز کشور و نسبت این تصمیم‌ها به نظر واقعی ولی‌فقیه همواره محل بحث و مناقشه بوده و طیف‌های مختلف سیاسی روایت‌های متناقضی را ارائه می‌کنند؛ از اینکه همه چیز هماهنگ است و با دستور رهبری انجام شده تا نسبت دادن تصمیم‌ها به فشارهای مسئولان و اختلاف نظرهای پشت‌پرده و... اما به نظر می‌رسد تصمیمات حکمرانی پیچیده‌تر از این گزاره‌های یک‌خطی باشد!

تردیدی نیست که رهبری در نظام جمهوری اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در بسیاری از موضوعات، تصمیم نهایی برعهده ایشان است. اما ولی‌فقیه در واقع رهبری این فرایند را بر عهده دارند. تصمیم نهایی ممکن است همیشه مطابق نظر اصولی ایشان نباشد. گرچه بدیهی است که پس از اتخاذ هر تصمیمی به عنوان تصمیم نظام انگاشته شود و همه ملزم به اجرای آن باشند. این واقعیت را نمی‌توان به‌معنای ضعف یا فریب خوردن و عقب‌نشینی از اصول تلقی کرد؛ بلکه واقع‌گرایی و ساختار جمهوریت چنین اقتضایی دارد. به‌طور کلی هیچ تصمیمی در خلأ و محیط آزمایشگاهی انجام نمی‌شود و واقعیت‌های موجود اعم از امکانات، نیروی انسانی، اطلاعات، تحلیل‌ها و به‌طور کلی شرایط محیطی، زمانی و مکانی تأثیر زیادی بر تصمیم‌ها دارند. جایگاه ولایت‌فقیه نیز نسبتی با دیکتاتوری ندارد و تصمیم‌گیری‌های نظام، به‌تنهایی انجام نمی‌شود. در ساختار جمهوریت، نظرات کارشناسان و مدیران کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌سازی‌ها دارد و نوع نگاه و محاسبات و تمایلات آن‌ها در واقع یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های موجود و مؤثر بر نظام تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد.

مسئولان و کارگزاران کشور در همه سطوحشان، به سهم خود در بخشی از فرایند تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و کیفیت اجرا دخیل هستند. حتی مناصبی که به‌عنوان جایگاه‌های اجرایی و مجری تصمیمات نظام شناخته می‌شود را نمی‌توان به عنوان مهره‌ای منفعل و بی‌اختیار تلقی کرد که در سطح خود، هیچ نقشی در تصمیم‌ها نداشته باشند.

این مناصب حتی اگر قدرت تصمیم‌گیری نداشته باشند، امکان تصمیم‌سازی را دارند. از نظر اجرایی نیز تصمیم‌گیری بدون همراهی بدنه اجرایی راه به جایی نخواهد برد و حتی در صورت اتخاذ تصمیم، در اجرا محکوم به شکست خواهد بود. همین که جهت‌گیری و عملکرد مسئولان مختلف در هر دوره تفاوت‌هایی با دوره‌های قبلی و بعدی دارد به اندازه کافی گویای این قدرت تأثیرگذاری است.

بنابراین تصمیم‌های کلان نظام و رهبر انقلاب، برایند همه عوامل دخیل در تصمیم‌سازی و متغیرهایی است که زمینه تصمیم را تشکیل می‌دهند و تلاش برای تغییر یا اصلاح هر یک از این عوامل، ممکن است برایند کلی عوامل محیطی را تغییر دهد.

از همین رو است که رهبران انقلاب هیچ‌گاه به تصمیم‌گیری پشت درهای بسته اکتفا نکرده‌اند و همواره مهم‌ترین مسائل کشور، حتی مسائل امنیتی و سیاست خارجی را با مردم در میان گذاشته‌اند تا مردم نیز به عنوان یکی از عوامل تصمیم‌سازی به نقش‌آفرینی بپردازند و زمینه را برای بهترین تصمیم فراهم سازند.

رهبران انقلاب بارها مسائل حساسی مثل جنگ و صلح یا دیپلماسی و مذاکره را به میان مردم برده‌اند و حتی نظر شخصی و اصولی خودشان را که گاه با سیاست اعلامی متفاوت بوده، با مردم مطرح کرده‌اند و فریادهای مردم کف خیابان را نیز در نتیجه این مسائل مؤثر تلقی کرده‌اند.

طبیعتاً چنین اقدامی را نمی‌توان به قصد تشویش افکار عمومی تلقی کرد! بلکه حکمت آن را در همین فرایند تصمیم‌گیری در نظام باید جست. پشتوانه مردمی می‌تواند در عین حفظ ساختارهای حکمرانی، بسیاری از محدودیت‌های محیطی را تا حدی خنثی کرده و برایند متغیرهای تصمیم‌سازی را تا حد ممکن به سمت مطلوب، متمایل کند.

در این میان جریان‌های انقلابی به‌جای سکوت و انفعال و یا بی‌اعتمادی و اتهام به مسئولان، وظیفه دارند به تبیین محکمات و نظرات اصولی رهبران انقلاب بپردازند تا افکار عمومی در خدمت بسط یدولیّ جامعه و بسترسازی برای بهترین تصمیم قرار گیرد.

خبر

آیت‌الله العظمی جوادی آملی با یادآوری سابقه رفاقت ۷۰ ساله با رهبر شهید، تأکید کرد اگر طرح و نظری درباره اداره کشور هست در فضایی دوستانه مطرح شود

بگذارید مملکت با امنیت و آرامش اداره شود

آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی در پیامی به یادواره ۳۹۸ شهید ارتش شهرستان آمل با بیان اینکه حضور و فداکاری مردم در صحنه‌های دفاع از انقلاب و کشور جلوه‌ای از نصرت الهی است، اظهار کرد: خدا مؤمنان را برای یاری دین خود به میدان می‌آورد، این قیام شبانه مردم، مردان، زنان و جوانان و بزرگسالان بیانگر همین است. این مفسر بزرگ قرآن و مرجع عالیقدر جهان اسلام با قدردانی از برگزارکنندگان یادواره با اشاره به سابقه دوستی ۷۰ ساله خود با رهبر شهید، گفت: از رهبر معظم انقلاب حق‌شناسی کرده و شهید خودمان را دعا می‌کنیم، این دوست عزیزمان که از آغاز ورودمان یعنی از ۷۰ سال پیش که وارد قم شدیم گرچه یک مقدار تفاوت سنی بود، با این بزرگ و بزرگوار دوست بودیم تا الان.

مرجع تقلید جهان اسلام حفظ امنیت، آرامش و وحدت ملی را از مهم‌ترین نیازهای کشور برشمرد و بیان کرد: مبادا خدای نکرده راهی را برویم که رضای خدا در آن نباشد، هرگز نگذارید از لبان مطهرتان حرف‌های مکروهی صادر شود، اگر نظر یا طرحی هست حتماً در فضایی دوستانه مطرح شود، بگذارید این مملکت ۱۰۰ درصد در آرامش و امنیت اداره شود تا بتوانیم این نظام اسلامی را به دست صاحب اصلی‌اش برسانیم.